

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چگونه بهترین همسر باشم؟

نویسنده: محسن کاظمی

تقدیم به بهترین و ارزنده ترین بانوی عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)

آشنایی و معرفت به جایگاه انسانی از یک طرف و از طرف دیگر توجه به وظایف و تکالیف او می تواند کمک شایانی در جهت تکمیل ابعاد روحی و روانی بوده باشد.

بدیهی است که معرفت مقدمه ای برای نیل به حقیقت و کمال می باشد و روشهای صحیح و مشروع به این پیوست خود می تواند به سلامت مسیر و سرعت نیل به مقصود کمک فراوانی نماید.

آنچه در این اوراق گردآوری و تنظیم گشته به راهکارهای سالم و ارزنده همسرداری اشاره دارد تا مسیر زندگی و خانواده از معرفت بیشتر و سلامت افزونتری برخوردار بوده و مشکلات ناشی از عدم توجه که ناخواسته گریبان گیر جامعه اسلامی ما هم شده مرتفع و زوجهای جوان بتواند با توافق بیشتر به وظیفه اصلی و اساسی خود که کمال جوئی و کمال پروری است اقدام نمایند انشاء الله.

والسلام

واحد مطالعات اسلامی مرکز فرهنگی قدر

مقدمه مؤلف

زن یکی از زیباترین مظاهر لطف و رحمت الهی است که با خلقتش آسایش و آرامش به عالم هستی اهداء گشته است. و در پی این آرامش و سکونت، مبنا و راهکار راهوار کمال در صحنه وجود نقش بسته است.

زن با بهترین نقش و اساسی ترین جایگاه پا در عرصه گیتی نهاد تا متانت و طمأنینه که سرمایه و هستی مردان است را مفهوم بخشیده و مرد را ناخودآگاه تا بسوی بالاترین ارزشها و کمالات همراهی نماید و با این افتخار بهشت را به بهترین بودن خویش زینت داده و افتخار آنرا داشته باشد که به کلمات مباحثات آمیز نبی الله الاعظم و ائمه معصومین (علیهم السلام) آمده تا بفرمایند: بهشت زیر پای مادران است و قدر و منزلت زن و مادر را از بهشت هم بالاتر ببرند.

چه فخر و افتخاری بالاتر از اینکه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هم یک زن بوده و حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) اشرف خلائق و بالاترین و ارزشمندترین موجود و خلق بارها و بارها خود را فدائی حضرت فاطمه سلام الله علیها بخواند و مگر نه اینست که کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) کلام خداست.

و مگر نه اینست که در آن خطاب الهی علت خلقت را به او برمی گرداند و می فرماید: لو لا فاطمه لما خلقتکما یعنی اگر نبود فاطمه نه تو ای پیغمبر و نه علی امیرمومنین (علیه السلام) را خلق نمی کردم.

آنقدر در فزونی مقام و جایگاه او بخاطر وجود مبارک حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) گفته های قدسی موجود است که مردان را مبتلا به یک رشک و غبطه می کند که خوشا به حال زنان با آن مقام رفیع.

با آرزوی آنکه بیشتر و بهتر جایگاه ارزشمند زن را شناخته و بتوانیم حق او را اداء نماییم.

آنچه در این اوراق گرد آوری شده شامل نکات زیبا و دلپذیری است که اولاً شما را به معرفت و آشنائی بیشتر نسبت به خود راهنمایی می کند، ثانیاً بارائهی یکسری از دستورالعملهای ساده به زندگی شما شیرینی بیشتری داده و کانون پر از لطف شما را با رنگ زیبای خوشبختی گرمتر می نماید.

والسلام / محسن کاظمی

زن و تعریف آن

یکی از واژه هائی که در طول تاریخ مورد ستم قرار گرفته و دائماً به قربانگاه امیال و هواهای نفسانی رفته است واژه زیبای ((زن)) می باشد که به پیوست این واژه در طول تاریخ تعاریفی از زن نموده اند که آخرین آنها تعریفی است که عرب جاهلیت از آن نموده و دختران شیر خوار را زنده زنده در گورستان دفن می نموده است زن واژه فساد و کج فهمی و اسارت بخود گرفته بود و در یک کلام آن حقیقت زیبای زن با انگارهای هواپرستان به موجودی غیر انسان بیشتر شبیه می شد دیگر کسی از واژه زن مفهوم انسانیت و معنویت استنباط نمی کرد کسی برای زن معرفت و عرفان پروردگار قائل نبود و به عبارت دیگر نگارش منفی آنقدر در جوامع رشد کرد که زن به تمام معنا آئینه شهوت و رنگ پرستی و مدخواهی شد و چه کنیم که آثار رگه های زشت این نگرش جاهلی هنوز در قلب متمدن غرب هم ریشه دارد.

در اوج یک چنین تعریف و حقیقت جاهلی برای زن، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها با حضور در عرصه گیتی افتخار بزرگی آفرید و در مقابل آن تعریف جاهلی از زنان و به عبارت دیگر زنان جاهلی زنان فاطمی را معرفی و تعریف کرد و در طول دوران کوتاه زندگی خویش تک تک ابعاد روحی زن را عملاً تعریف و تبیین نمود.

در مقابل هر کدام از روشهای زنان جاهلی روشی صحیح را ابداع نمود و با بیان و تعریف از یک طرف و عمل از سوئی بالاتر مرزی عمیق با تعریفی دقیق از زن به جامعه آن زمان و جوامع آینده خود عرضه نمود.

امروزه که بیش از هزار سال از زمان حیات ظاهری آن بزرگوار می گذرد نقش ارزنده آن حضرت در بیان تعریف صحیح زن معلوم و آشکار می شود.

آری، نه اینکه امروز زنان فاطمی و تعاریف فاطمی بکلی زندگی انسانها را گرفته است. خیر، ولیکن یکه تازی تعریف جاهلی از میان رفته و در مقابل این دیدگاه که زن اسوه مدیریت و حسادت و چشم و هم چشمی و هزار افسونگری و نمود جاهلیت است از میان رفته و تعریف زیبای فاطمی با نقش و نمود ارزنده آن در جامعه رشد و تعالی یافته است.

تا آنجا که امروزه بسیاری از زنان ما در عرصه های صحیح فرهنگی بهترین افتخارات را می آفرینند و بدور از همه روشهای جاهلی روشهای ارزنده فاطمی را در زندگی پیاده می نمایند.

در پایان این نوشته آرزوی آن داریم تا روشهای فاطمی را از روشهای جاهلی شناخته و با ایجاد یک مرز مشخص بین آندو خود را در غالب تعریف ارزشمند فاطمی وارد نمائید.

شاید با این عمل زنگار کهنه ای که بر سیمای عطوف زن در پی قرنهای نشسته مرتفع و زن با تمام ابعاد زندگی خود، بتواند در جهت احیاء فرهنگ دینی و اسلامی موثر واقع شود.

فراموش نکنید که این روش زندگی شماست که یا شما را جاهلی می کند و یا فاطمی.

صرفاً محبت حضرت زهرا (علیها السلام) برای فاطمی شدن کافی نیست. نگاه منصفانه شما به تک تک رفتارها و اعمال می تواند در تشخیص جایگاه و حرکت خود بسوی بهتر شدن کمک شایانی بنماید.

با آرزوی آنکه زنان جامعه به کمک همدیگر گام موثرتری در جهت تبیین بیشتر رفتار فاطمی بردارند.

زن و شخصیت مرد

قبل از شروع، مقدمتاً لازم است تعریفی از شخصیت داشته باشیم.

شخصیت: مجموعه رفتارهای پایداری است که از انسان سر می زند و او را از سایرین بنحوی متمایز می نماید.

با توجه به مفهوم شخصیت و برداشت های مختلفی که از آن می شود، زن نقش بسزائی در سازماندهی شخصیت مرد می تواند ایفا نماید.

سوال: از یک طرف با توجه به مفهوم شخصیت که در آن پایداری و ثبات رفتار لحاظ شده و از طرف دیگر توجه به این نکته که تحول رفتار در سنین بالاتر از بیست سال کم و کمتر می شود چگونه زن می تواند نقش اساسی در رفتارسازی و تحول در رفتار داشته باشد؟

پاسخ: دقت در تعریف شاید این حقیقت که منظور نظر شما بوده است را واضح بیان نماید آری، حدس شما صحیح است ولیکن توجه به یک مطلب لازم است و آن اینکه در طول زندگی انسان مقاطع مختلفی به عنوان نقاط عطف شخصیتی مطرح است که در آن شخصیت انسان قابلیت تغییر و تحول بیشتری را دارا می باشد که این مقاطع زمانی حتی در دوران پیری و کهنولت ممکن است وجود داشته باشد.

تأیید این مطلب را می توانید با مطالعه کتب تاریخ و داستانهای متفاوت ملاحظه نمائید، کسانی که مدتهای طولانی از عمر خود را در مسیری ناشایست طی کرده ولیکن در آخر عمر دچار یک تحول و تغییر شده و سازمان شخصیتی خویش را که شامل آن رفتارها بوده به سوی یک سری رفتارهای ارزشی متمایل کرده اند.

این تحولات و تغییرات که در سنین بالاتر از دوران شخصیت سازی " ۱ " رخ می دهد تأییدی است بر این نظریه که شخصیت در دوران های بالاتر از سن جوانی قابل تغییر بوده و شخص می تواند شخصیت خویش را تغییر و به سمت و سوی یک شخصیت مقبول یا غیر مقبول سوق دهد. البته همگی شماها نمونه هایی از این تغییر را در زندگی ولو مختصر خویش ملاحظه و مطالعه کرده اید. بدیهی است تحولاتی که در سنین بالاتر از جوانی رخ می دهد عموماً نقاط عطفی از شخصیت می باشد که غالب این نقاط شخصیتی هم به دو دسته عمده تقسیم می شود:

نقاط عطف ارادی و نقاط عطف غیر ارادی.

نقاط عطف ارادی رویدادهائی هستند که انسان در ایجاد آن دخل و تصرف فراوانی می تواند داشته باشد مثل مراسم عقد و ازدواج و یا صاحب فرزند شدن و یا سفر حج و یا...

در مقابل نقاط عطف شخصیت ساز غیر ارادی شامل آن نقاطی از زندگی می شود که انسان ناخودآگاه در یک تنش روحی مثبت یا منفی قرار گرفته و چه بسا با یک کلام متحول و تغییر جهت داده و یا می دهد.

حال با توجه به تفصیلی که در مطلب بیان کردیم هر کدام از شما خوانندگان محترم نمونه های بارزی را در ذهن می شناسید که نظر ما را تأیید می نماید.

می توانید این مطالب را با دوست و هم کلاسی و یا همکاران خود هم در میان گذاشته و این نقاط عطف را بیشتر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید طبیعتاً با صرف وقت و توجه لازم می توانید نقاط بیشماری از آنها را برای خود و دیگران مثال زده و شمارش نمائید. موضوع نصیحت گوئی و امر به معروف و نهی از منکر که در ادیان مختلف خصوصاً در دین مبین اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته شاید اشاره ای به این حقیقت باشد.

چه بسا نصیحتی که درست در نقطه عطف شخصیتی یک انسان قرار گرفته و بطور کلی زندگی او را تغییر داده است فراموش نکنید اگر با یک نصیحت بجا در نقطه عطف، یک شخصیت را متحول کرده و به سمت و سوی مثبت سوق بدهید شما در هر خیری که از آن انسان و نسل او سر می زند شریک خواهید بود.

البته فراموش نکنید رعایت اصول و قوانینی که دین اسلام در رابطه با نصیحت کردن و امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده در حقیقت با لحاظ شرایط، ایجاد کننده یک نقطه عطف ارادی از طرف شما و غیر ارادی برای اوست.

بنابراین با مراجعه به کتب مربوطه راهکارهای امر به معروف و نهی از منکر و یا نصیحت کردن را آموخته تا با ظرافت خاص خودش بتوانید شرایط مناسب جهت تحول را ایجاد و با یک نصیحت دوستانه او را متنبه نمائید. حال که موضوع تحول و انواع و اقسام آن روشن شد طرح و بررسی عنوان موضوع مورد نظر بسیار ساده می تواند پیگیری شود.

خانمها توجه داشته باشند:

شخصیت مرد در هنگام ازدواج و پس از آن بخاطر شرایط ازدواج در معرض تحول و تغییر است شما می توانید با امتیاز ویژه ای که دارید شخصیت همسر خویش را از هر شرایطی به شرایط بهتر متحول نمائید.

همسر شما می تواند رفتارهای جدید شخصیتی را بخاطر شما در زندگی شروع کند. با گفتگو و صحبت مستقیم و غیر مستقیم او را در مسیر مثبت زندگی یاری و در تحول شخصیت به سمت شرایط و ملاکهای برتر کمک نمائید.

البته فراموش نکنید لطافت و مهربانی ابزار کار شماست.

شما با عطوفت می توانید مسیر غیر صحیح را خیلی راحت تغییر دهید.

با این گفتار همگی شما اعتراف می کنید که تحول در شخصیت مرد امکان پذیر است.

همه شما در اقوام، خویشان، دوستان و همسایگان خود مردانی را که با ازدواج متحول شده اند سراغ دارید.

لطفا در صورت تحقیق و موضوع به نقش همسر توجه و دقت کنید. یقیناً نظر ما را تائید می کنید.

حال که با ما هم عقیده شدید با مطالعه و تحقیق می توانید شخصیت همسر خویش را از شرایطی که دارا می باشد به شرایط بهتر سوق دهید.

در کتاب موفقیت و خلاقیت پیرامون شخصیت های ممتاز گفتاری را آورده ایم، شما می توانید با مطالعه آن الگوی مناسبی را در زندگی اختیار و زندگی خود را به سمت و سوی آن میل دهید اگر دوست دارید همسر شما یک مرد اجتماعی یا اهل مطالعه یا... باشد با انتخاب الگو و استفاده از عطوفت می توانید این گام را بردارید.

البته در انتخابها و در تغییر شخصیت مراقب باشید شخصیت و رفتار بهتری را جانشین نماید تا زندگی شما زیباتر و دلپذیرتر باشد. چنانچه همسر شما احساس کند در سیر تحول مثبت او را یاری می نمائید دلبستگی بیشتری به شما یافته و در زندگی بیشتر به شما اعتماد خواهد نمود.

خوش کلامی و عطوفت یادتان نرود، در عین حال به او اطمینان بدهید که از همه سرمایه و توانتان در راه رشد و تعالی او استفاده و شبانه روزتان را صرف پیشرفت او خواهید کرد.

با این عمل خواهید یافت که:

اولاً: نقش زیبایی را در زندگی پیاده کرده و زندگی را شیرین و دلپذیرتر نموده اید.

ثانیاً: تحولات مثبت زیادی را در همسر خود ایجاد کرده اید.

ثالثاً: دلبستگی همسر شما به شما چقدر عمیق و زیاد شده است.

زن و حد وظایف

دین اسلام در رابطه با حقوق و تکالیف زن احکام شیرین و جاذبه داری ارائه می نماید، از یک طرف به مرد رعایت آنها را می دهد و از طرف دیگر زن را سفارش به مهربانی و عطوفت با همسر می نماید.

طبیعی است این عطوفت از طرف زن در مصادیقی از فعالیتهای زندگی ظهور یافته تا زن بتواند محبت خود را به همسر اظهار و مرد در مقابل این زحمات تشکر لازم را صورت دهد تا جاذبه بین زوج افزایش و زندگی آنها شیرین تر شود.

بنابراین اگر ما در این بحث اشاره به یکسری از امور می نمائیم نه از این جهت است که دین اسلام نسبت به آنها دستور داده، خیر ولیکن اموری است که منجر به حقیقتی می شود که دین به آن دستور داده و بقول اهل علم موضوعات مطرحه طریقت دارد نه موضوعیت، یعنی در اصل موضوع سفارشی نسبت به آن نداریم ولیکن از آنجا عقلا مقبول و منجر به نتایج مطلوب می شود لازم است به آن توجه و دقت شود.

خانمهای محترم شاید با مطالعه کتب و یا شنیدن مطالب از طرق مختلف وظایف خود را بیشتر و بهتر بدانند و چه بسا گاهی به شوهر خود می گویند فلان کار وظیفه زن نیست.

بله شما صحیح می فرمائید، وظیفه شما نیست که در منزل فلان کار را انجام بدهید ولیکن وظیفه شما هست که دل همسر خود را نسبت به زندگی گرم کنید اگر این مطلب را قبول داشته باشید هر کار صحیحی که دل شوهر را به شما گرم تر و دلبستگی او را به شما بیشتر می کند می تواند منشائی برای اظهار محبت شما به او بوده باشد یعنی همان حقیقتی که دین به آن توصیه کرده است.

شاید قبل از مطالعه این مقاله شما از آن خانمهای اهل مطالعه بودید که دوست داشتید صرفا وظایف شخصی خودتان را در زندگی انجام بدهید ولیکن با مطالعه این قسمت با ما هم نظر خواهید شد. یعنی به این نتیجه خواهید رسید که برای بدست آوردن جایگاه در نزد شوهر چه بسا باید به اعمالی دست بزنید که در هیچ کجای دین آنرا وظیفه اصلی زن معین نکرده و در مقابل به شوهر هم دستور می دهد که حق نداری در آن امور به همسر خود دستور بدهی.

آری این صحیح است حالا شما با ما هم نظر و هم عقیده شده اید، قبول دارید که بله دین دستوری نداده ولیکن خواهید گفت اگر من انجام دهم:

اولا: بالاتر از انتظار واقعی و حقیقی شوهر عملی را انجام داده ام.

ثانیا: بخاطر آنکه موجب خوشنودی و خوشحالی همسر شده ام جایگاه ویژه را نزد او یافته ام.

ثالثا: با دعوت آرامش به زندگی مجرای صحیحی برای عملی کردن دستورات دین را در زندگی فراهم کرده ام.

مرد و انضباط شخصی

مرد با توجه به خصوصیات روانی و اجتماعی نسبت به انضباط شخصی حساس بوده و دوست دارد که از این جهت محلی برای سبک بینی دیگران نباشد. لذا در طول شبانه و روز وقتی از اوقات خود را بایستی صرف کند تا انضباط لازم و کافی جهت حضور در منزل یا اجتماع را داشته باشد. این نگرش از یک طرف و رشد و تعالی لازم جهت مرد از طرف دیگر، فرصت و دقت او را در این مطلب کم و آرام آرام ممکن است این مهم مورد بی توجهی قرار گیرد.

کثرت موضوعات ذهنی برای همسر شما در رابطه با سایر مسائل اجتماعی اعم از شغل، ارتباط با مردم، صرف وقت در امور عام المنفعه و.... ممکن است به همسر شما اجازه آنرا ندهد که خودش به این امور دقت کرده و اهمیت لازم را بدهد.

لذا از یک طرف نیاز مرد به انضباط و اهمیت آن و از طرف دیگر کثرت مشاغل و امور شخصی و اجتماعی دیگر مرد یک خلل و نقصانی را ایجاد می کند که رفتار شایسته شما در این جهت به رفع این نقصان و آسایش ذهنی همسر شما کمک خواهد کرد.

حال خود شما قضاوت کنید نتیجه چه می شود؟ آیا نه اینست که همسر شما با توجه به اینکه شما هیچ وظیفه ای در جهت انضباط شخصی او نداشته ولیکن این کار را انجام داده اید ممنون دار شما می گردد و از شما تشکر می کند آیا نه اینست که تشکر او بمعنی رضایت و خشنودی اوست.

بنابراین یا با تجربه عملی یا عقلا قبول کردید که می توان با استفاده از یکسری رفتارهای غیر وظیفه ای محبت شوهر نسبت به زندگی و همسرش را افزایش داد.

بنابراین سعی کنید پوشش مرد و پیراستگی و انضباط شخصی او را مهیا نمایید تا:

اولا شخصیت شوهر از جهت انضباط مورد خدشه و انتقاد قرار نگیرد.

ثانیا: شوهر شما به سایر وظایف خود بهتر رسیدگی نماید.

زن و انضباط منزل

وقتی مرد پس از یک سری از فعالیت های اجتماعی وارد منزل می شود بایستی کلیه لوازمات آرامش او تهیه شود تا خدای نکرده خستگی و آثار منفی آنرا در منزل بروز ندهد.

لازمه این نکته توجه به انضباط منزل و رعایت ترتیب شرایط منزل براساس خواسته و خواستگاه شوهر بوده که امری بدیهی و قابل قبول شما و همه افراد می باشد.

عدم ملاحظه این امر عادی ممکن است آرامش لازم و کافی مرد را بر هم زده و منجر به بروز ناهنجاریهای حاصل از ارتباطات اجتماعی و یا فعالیت های آن شود.

بنابراین اگر چه هیچ فردی قائل به این نیست که زن باید در منزل انضباط ایجاد کند ولیکن همه عقلا بر این معتقدند که اگر لازمه آرامش مرد و به تبع آن سلامت زندگی و عطوفت آن انضباط منزل و مسائل پیرامون آن باشد زن از جهت حفظ آن لازم است به این امور توجه لازم را صورت دهد تا شیرینی زندگی دوام و بقاء بیشتری یافته و از ثمرات زیبایی آن بیشتر بهره مند گردند. خانم می تواند با یک ساعت زودتر بیدار شدن از خواب تمام انضباط لازم منزل را فراهم کند. اگر خانم این یک ساعت را صرف انضباط منزل و یا مرد نکرد باید چندین ساعت را در طول شبانه روز صرف مشاجرات لفظی نماید و در آخر نتیجه هر دو معلوم است. اولی نتیجه اش انضباط منزل، لذت بردن شما و همچنین همسران از زیبایی زندگی و آرامش مرد برای فعالیت و کسب روزی بهتر. دومی نتیجه اش مشاجره، اعصاب خوردی برای شما و همسر خسته شما، بی میلی مرد به فعالیت اجتماعی و عدم تمایل او نسبت به حضور در منزل.

شاید یکی از دلایل واضحی که مردها از منزل گریزان هستند در این نهفته است که منزل انضباط کافی را ندارد. بنابراین، خانم محترم توجه بیشتر شما در این مورد شاید قسم زیادی از مشکلات شما را حل و زندگی شما را زیباتر کند. حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می فرمایند: شیرازه هیچ گروهی و امتی باقی نمانده الا به نظم و انضباط. کلام دلنشین حضرت شامل همه گروهها و جمع ها از جمله جمع خانواده می باشد بنابراین با عمل به این روایت به زندگی زیبایی ظاهری لازم بدهیم تا مقدمه مقبولی برای زیبایی های دیگر بوده باشد. انشاء الله

زن و زیباییهای ظاهری

زن موجودی است که بخش زیادی از ابعاد روحی او بواسطه عاطفه شکل گرفته و به تعبیر حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) شبیه گل می باشد. بسیار لطیف و حساس. با این وجود بایستی در مقام ارتباط با او شرایط لطافت و عطوفت ملاحظه شود، چنانچه عطوفت لازم صورت نگیرد ممکن است صدمه دیده و آرام آرام پژمرده و ضایع گردد.

طبیعتا اولین مخاطب زن، همسر و شوهر او می باشد که باید نسبت به این لطافت توجه کافی بنماید.

این وظیفه اختصاص به مردان دارد.

حال شما خانمها چه وظیفه ای دارید؟

قبل از پاسخ به این سوال لازم است در رابطه با روحیات مردان هم سخنی به میان آوریم غالب مردان بر عکس زنان که از لطافت طبع و ظرافت برخوردارند از یک طبع دقیق و حساس منطقی برخوردار هستند.

به عبارت دیگر اگر ما سازمان روحی انسان را به منطق و عاطفه تقسیم نمائیم در مردان منطق و در خانمها عطوفت و عاطفه غالب است.

منطق مرد بواسطه ارتباط مناسب اجتماعی رشد، و قوت یافته در مقابل اگر ارتباط اجتماعی زن زیاد شد عطوفت او تضییع می گردد. زنی که در معرض اجتماع قرار گیرد. مثل گلی است که در معرض باد قرار گرفته است. طبیعتاً آن لطافت و زیبایی لازم و به تبع عطر عطوفت را از دست می دهد لذا دین مقدس اسلام برای زن و نحوه حضور آن در اجتماع احکام خاصی وضع کرده که بایستی به آن عمل نمود. اگر مطابق دین عمل نمایم یعنی به ساختار روحی زن توجه نکرده ایم. یعنی به او ظلم کرده ایم عدالت آنست که از هر کس متناسب با توانش انتظار داشته باشیم. مگر غیر از اینست؟

حال زنی که با حضور بیش از حد در جامعه می خواهد حق خود را بگیرد و معتقد به بی عدالتی است آیا می داند که روح او چقدر لطیف و زیباست؟ و آیا می داند حضور بیش از حد در اجتماع یعنی تیشه به ریشه عطوفت زدن است؟ بنابراین به خانمها توصیه می شود که حد مرز حضور در اجتماع را برای خود شناسائی نمایند، البته حضور بنحو صحیح و به اندازه لازم، مقبول همه عقلا است ولیکن حد و اندازه را بشناسید و الا خدای ناکرده لطافت طبع شما خدشه دار می شود. ولیکن بر عکس مرد باید در معرض وزش های و برخوردها قرار گیرد تا محکم و پایدار بماند لذا نحوه تشریع احکام برای مردان و زنان متفاوت ذکر شده است. بگذریم!

حال با توجه به این عطوفت و لطافت زن، مرد چگونه باید با او ارتباط داشته باشد تا این لطافت صدمه نبیند؟ اینجا نقش زن بسیار اساسی است شما می توانید دو نقش متضاد را بازی کنید یک نقش تحریک بعد احساسی مرد است سپس نتیجه را ملاحظه کنید یک نقش هم تحریک بعد منطقی مرد سپس نتیجه آنرا ببینید! اگر چه در مرد منطق حاکم است ولیکن احساسات او هم ضعیف نیست.

اگر منطق را تحریک کردید طبیعتاً بایستی انتظار منطقی هم از او داشته باشید. او با منطقتش سخن می گوید و با منطقتش از شما سوال می کند و... و شما در مقابل منطق مرد با توجه به آن ساختار روحی که داشتید ضعیف و ممکن است بدون جواب باشید. اما اگر احساسات را تحریک کردید طبیعتاً مرد هم با بعد احساساتیش با شما ملاقات خواهد کرد و نتیجه روشن است، از آنجا که شما در احساسات قوی تر هستید می توانید مهره بازی را به نفع آرامش خود و زندگی جابجا نمائید.

حال چه کنیم و عواطف مرد را چگونه تحریک نمائیم؟ جدای از مقدماتی که در صفحات قبلی اعم از انضباط منزل و همسر و... بیان کردیم مراقب اولین لحظات حضور مرد در منزل باشید ظاهر آراسته شما می تواند در بدو ورود، شما را در تحریک احساسات موفق نماید. برای همین حقیقت هست که دین مبین اسلام دستور می دهد در ابتدای ورود، زن درب منزل را به روی همسر باز کند و اثاثیه را از دست او بگیرد، در خارج کردن لباس به او کمک کند و... اینها برای چیست؟

برای اینکه مردی که در بیرون خانه بوده به جهت انجام وظیفه اجتماعی منطق غالب بوده و اگر بخواهد با همان منطق وارد زندگی شخصی و خانواده شود نتیجه مقبولی نخواهد داشت.

لذا در لحظه ورود باید ساختار روحی مرد از منطق به احساسات عوض شود تا اولاً خستگی او بر طرف شود ثانیاً با عطف و مهربانی با شما و فرزندان ارتباط برقرار نماید تا زندگی شما با همسران زیباتر و دلپذیرتر باشد. بنابراین ملاحظه بدو ورود و تحریک احساسات هنر شماس است که با رعایت پوشش ظاهری و آراستگی و خوش برخوردی خود می توانید این هنرمندی را از خود نشان دهید.

زن هنرمند زنی است که بتواند احساسات شوهر خود را در هر حال تحریک و به راهکارهای آن مسلط باشد. اگر از منطق هم باید استفاده کرد در هاله ای از احساسات باشد تا موفق باشد.

و انصافاً زیباترین هنر زن همین هنر خواهد بود که در سایه آن سایر زیباییهای ظهور یافته و جلوه کند.

بنابراین خانم های محترم و مسلمان بایستی به این هنر بیشتر از سایر امور و مسائلی که امروز بصورت کاذب به عنوان نقش زن بیان می شود توجه و عنایت داشته باشند.

فراموش نکنید: سلام و گفتگوی گرم، آراستگی، متناسب با خواستگاه شوهر، هنرمندی شماس.

زن و رازگویی به همسر

یکی از راهکارهای افزایش صمیمیت و محبت رازگویی است البته با لحاظ شرایط آن.

زن می تواند جهت کسب محبت و ایجاد ارتباط بهتر با همسر خود اسرار و رازهای خود را بیان نماید.

یکی از بزرگترین ارزشهای زن هنر راز گفتن به همسر خویش است.

خانم محترم شما خود بهتر می دانید که اسرار تان را به نزدیکترین افراد خواهید گفت، بقول اندیشمندی: ((زنان در دو حالت اسرار را فاش می کنند.

اگر به آنها بگوئید که خیلی خیلی این مهم است و به کسی نگو، او فکر می کند که تحفه بسیار با ارزشی را داشته و لذا بخاطر اهمیتش به دیگران می گوید و اصرار هم دارد که فرد دوم به کسی باز گو نکند.

اگر هم عادی به آنها گفته شود که مهم نیست و مطلب را ساده قلمداد کنی باز هم به دیگران می گویند چرا که معتقدند که مطلب مهمی نیست))

با این ظرافت، زنان اسرار خود را خواهی - نخواهی برای مادر، دوست یا خواهر یا یکی از نزدیکان خود فاش می کنند.

خانم محترم، رازگویی محبت را صد چندان می کند شما با استفاده از همین رازگویی می توانید در قلب همسر جایگاه ویژه ای یافته و محبت خود را بیش از پیش بنمائید.

برای روشن شدن مطلب مثالی می آوریم:

شما نگاه کنید دو نفر چگونه با هم دوست صمیمی می شوند اول سلام و علیک است و همین مختصر، اما پس از مدتی این رازگویی است که محبت بین آندو را غنی تر و عمیق تر می کند تا آنجا که حاضرند جان خود را فدای یکدیگر بنمایند. اینطور نیست؟

حال که قبول کردید از این وسیله عادی و طبیعی خود برای افزایش دوستی بین خود و همسرتان استفاده نمایید. و خود را بیشتر محبوب و دوست داشتنی در نزد شوهر بنمائید. ما در کتاب آئین دوست یابی در رابطه با این طریقه بیشتر توضیح داده ایم که می توانیم با مراجعه به آن مطلب را واضحتر دریابید. در جمع فراموش نکنید با همسر خود قبل از هر کسی اسرار خود را بازگو نموده و بدین طریق به شیرینی خود نزد او بیفزائید!

زن و محبوبیت مرد

زندگی خوشبخت آن زندگی است که حاوی دو زیبایی باشد یک زیبایی درونی و یکی هم زیبایی بیرونی. اگر یکی از این دو قسم زیبایی خدشه دار شود زیبایی کل زندگی که مفهوم خوشبختی را به همراه دارد، در معرض خطر و آسیب قرار خواهد گرفت. زیبایی درون آرامش آور و زیبایی بیرون آبرو آفرین است. یک خانواده هم بایستی دارای آرامش لازم و کافی و هم دارای آبرو باشد در رابطه با آرامش درون و نقش زن گفتاری را آوردیم و نقش حساس زن در آنرا بیان کردیم که آرزومندیم بیش از پیش به آن توجه و عنایت نموده و به زیبایی های درون زندگی بیشتر اهتمام بورزید. تا از آرامش که حاصل زیبایی درونی است بیشتر بهره مند گردید. اما زیبایی بیرون که به زندگی شما وجه ارزشی و به تعبیری آبرو می دهد. بازیگر اصلی ظاهرا در این زیبایی مرد است ولیکن اگر از ما سوال کنید. خواهیم گفت که واقعا در این نقطه هم زن نقش اساسی را بازی می کند. سوال خواهید نمود چگونه؟

قبلا از اینکه به سوال شما پاسخ دهیم لازم است مقدماتی را خدمتتان عرض نماییم ما در کتاب آئین دوست یابی فصلی را پیرامون محبت قرار داده و مفصل در رابطه با آن سخن گفتیم، می توانید جهت اطلاعات بیشتر به آن مراجعه نمایید در اینجا به قسمتی از آن مباحث بصورت گذرا اشاره نموده تا پاسخ اصلی سوال را خود دریابید. محبت محرک و در عین حال معیاری ارزشی است که بواسطه آن انسان به انسانیت و ارزش واقعی خود رسیده و در پرتو آن رشد و تربیت و کمال می یابد.

حتی ظهور استعدادها هم وابستگی تنگاتنگی به آن دارد که این حقیقت هم از آیات مبارکه قرآن و هم از خطابات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) ظاهر می گردد.

با این اشاره مختصر خواهید یافت که محبوبیت لازمه زیبایی برای یک مجموعه است اگر یک شخص یا خانواده محبوب قرار گرفت یعنی دیگران آنرا دوست داشته باشند بدانید و بدانیم آن شخص یا خانواده و یا... موفق خواهد بود.
با این بیان سوال شما پاسخ داده شد.
چگونه؟

بله، اگر خانواده که در درجه اول مرد و زن هستند به زندگی خود محبوبیت بدهند یعنی بدنه زندگی را محبوب دیگران بکنند ما به آن درخشش گوهر زندگی که زیبایی بیرونی نامیدیم دست یافته ایم.
نگاه کنید:

مرد در زندگی نقش بدنه زندگی را بازی می کند اگر این بدنه طوری جلوه کرد که محبت دیگران را به سمت و سوی خود متمایل نمود نتیجه روشنی به دنبال دارد و آن همان زیبایی بیرونی زندگی است.
در اینجا:

اولا عیوب زندگی پوشیده می شود.
ثانیا به عنوان یک زوج موفق و خوشبخت قلمداد می شوید.
شاید بفرمایید این را قبول کردیم حال این چه ارتباطی با جایگاه زن دارد؟ اینجا نقش زن در ایجاد محبوبیت برای مرد و به عنوان بدنه زندگی روشن می شود، اگر مرد محبوبیت پیدا بکند زیبایی بیرونی زندگی بدست می آید لذا بایستی برای محبوبیت همسر خود در اجتماع تلاش کنید تا اجتماع و مردم آن بیشتر همسر شما را دوست داشته باشند تا:
اولا زیبایی بیرونی زندگی که بر عهده مرد است تامین شود.
ثانیا تعادلی بین زیبایی دورنی و بیرونی حاصل شود.

اگر یک زندگی از درون زیبا ولی از بیرون زیبا نباشد این عدم تعادل آرام آرام به رفع و تضییع زیبایی درون می انجامد و نتیجه آن تضییع آرامش و... خواهد بود همانطور که عکس آن هم صادق است.
با این تعبیر شما هم با ما هم عقیده شده اید بایستی کاری بکنید که محبوبیت همسر در اجتماع زیاد شود.
خوب قبول کردیم.

حال چه کنیم تا محبوبیت همسر و مرد در اجتماع زیاد شود؟

جواب این سوال روشن است در اینجا به بعضی از اموری که به محبوبیت شوهر شما می افزاید اشاره می نمایم.
تا بتوانید با استفاده از آنها زندگی خود را زیباتر نمایید.

یک: رسیدگی و توجه دقیق به پوشش، انضباط و آراستگی مرد

اولین ملاقاتهای افراد جامعه با ظاهر همسر شما صورت می گیرد و بعد از آن با اخلاق او، طبیعتا قبل از اینکه او با کسی سلام و گفتگو بکند لباسها و انضباط اوست که بنظر دیگران رسیده و برای آنها جاذبه یا دافعه خواهد داشت.

اگر چه ما معتقدیم لباس شرافت نمی آورد ولیکن معتقدیم انضباط شرافت می آورد، حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) هنگام خروج از منزل عطر مخصوص استفاده می کردند، موهای خود را شانه و لباسها و عمامه مبارک را منظم کرده و سپس خارج می شدند.

این برای چه بود؟ آیا نه اینست که خود اینها هم جاذبه آفرین و محبوبیت آور است.

زیبائی ظاهر همسر شما در خارج از منزل بیانگر میزان همت شما در منزل است.

شاید بگوئید خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این کار را انجام می داده اند نه همسر ایشان.

جواب خواهیم داد که ما از شما می خواهیم که مرد شما با ظاهری زیبا وارد اجتماع شود اگر خودش به این کار علاقه مند است که خدا را شکر و الا این وظیفه شماست که در نظافت او تلاش و کوشش نمائید تا ظاهر او زیننده و جاذبه دار باشد. اینطور نیست؟

دو: عیوب همسر خود را برای هیچ کس حتی والدین خود یا همسران بیان نکنید

آیه قرآن می فرماید: ((هن لباس لکم))

یعنی زنهای بایستی پوشش مناسب برای عیوب مردان باشند. آیا غیر از اینست که اگر عیوب همسران را به کسی گفتید نتیجه سرزنش ها به خود شما برمی گردد و در نهایت می گویند اینست که تو خود انتخاب کرده ای، در نتیجه چه می شود؟ همه به زندگی شما ایراد گرفته و زیبایی بیرونی زندگی شما تحدید می شود.

آنقدر بایستی در پوشش عیوب دقیق و حساس باشید که حتی اگر کسی قسم خورد که شوهر شما فلان عیب را دارد شما هم قسم بخورید که خیر، از این عیب دور است و اینطور نیست (آبروداری از یک مسلمان دروغ محسوب نمی شود).

بنابراین اولاً ایرادات همسر خویش را به کسی نگوئید ثانياً اگر خواستید هم بگوئید فقط به همسر خودتان آن هم در محیطی آرام، تنها و با عطف و مطرح نمائید.

البته بعضی از خانمها عادت دارند در هنگام صحبت های زنانه بعضی از این صحبت ها را دوستانه مطرح نمایند ولیکن غافل از آنند که آبروی شوهر خویش را مقابل دوست خود برده اند و محبوبیت او را کم کرده اند.

پس فراموش نکنید زیبایی زندگی به چشم پوشی و کتمان عیوب و عدم اظهار به غیر می باشد.

سه: مرد و فعالیت های اجتماعی

فعالیت های اجتماعی مرد بخشی از وقت شبانه روز او را به خود اختصاص می دهد که طبیعتا از میزان وقت حضور در منزل و کنار شما کم می گردد.

بنظر اولیه شما، شاید این یک عیب مرد باشد و دوست داشته باشید که مرد بیشتر اوقاتش را در منزل بگذراند تا با شما بوده و محیط خانه گرمتر باشد. بله ما هم با نظر شما موافقیم و نظر شما را قبول داریم ولیکن توجه به یک نکته لازم و ضروری است که اگر شما هم بدان توجه کنید به منظور ما هم نزدیکتر شده و فعالیت اجتماعی مرد و تلاش جنبی او را در کنار زندگی تأیید می کنید و از این به بعد چه بسا از شوهر خود تقاضا می کنید در فعالیت های اجتماعی عام المنفعه، خیریه ها و حسینه ها و... شرکت نماید.

فعالیت و همکاری های اجتماعی مرد نقش اساسی در جلب محبوبیت او داشته و سازمان روحی او را تصحیح و اصلاح و نیاز آنرا برآورده می کند. مرد به جهت تنوع طلبی خاص اجتماعی که ویژه اوست بایستی در امور عام المنفعه مثل خیریه ها و... فعالیت نماید تا اولاً در رشد و ارتقاء معنویت خود تلاشی کرده باشد ثانیاً نیاز به محبوبیت را از جهت اینگونه فعالیتها تأمین کرده و انسان صاحب وجه ای در میان جامعه گردد.

طبیعتا خود شما هم قائل و مایلید که همسران با چنین فعالیت های دینی و مذهبی برکت در زندگی شما آورده و به زندگی شما شکل و شمای خاص و ویژه خودش را بدهد.

با اینکار شما توانسته اید تعداد افرادی که با همسر شما در ارتباط سالم هستند را افزوده و در حقیقت و او را محبوبتر در میان جامعه و مردم کرده باشید.

و اگر خودش شما انصاف بدهید که می دهید خواهید دید که واقعا ارزش آنرا دارد که مرد ساعاتی از شبانه روز را به چنین فعالیت هایی مشغول شود و از حضور در منزل بکاهد تا ابهت و جایگاه ویژه ارزشی در اجتماع پیدا نماید.

چهار: مرد و دوستان صالح و سالم او

طبیعتا متناسب با شرایطی سنی که همسر شما دارد دوستانی از دورانه های مختلف سنی داشته و کم و بیش با آنها ارتباط دارد سعی کنید در ارتباط همسران با دوستان سالم نهایت تلاش خود را بنمائید. اینکار اولاً محبوبیت همسر شما را در میان دوستان زیاده تر نموده ثانیاً شادابی روحی او را افزایش می دهد.

حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) یکی از اموری را که موجب فرح و شادی و شادابی مومن می شود ملاقات دوستان صالح معرفی می نمایند.

بنابراین با ازدواج سعی نکنید شوهرتان را انحصاری و او را از اجتماع و دوستان اجتماعی اش محروم نمائید این پدیده اثر سوئی دارد که به خود شما و زندگی شما بر می گردد.

زیبائی بیرونی زندگی شما را تضییع و در حقیقت به خوشبختی شما ضربه می زند.

بله در صورتیکه دوستان او از نظر اخلاقی و رفتاری صلاحیت لازم و کافی جهت ارتباط با همسر شما را ندارند با عطوفت و مهربانی و با منطقی که در هاله ای از لطف است از او بخواهید که با آنها کمتر ارتباط داشته و آرام آرام دوستان صالح را جانشین آنها بکند. این روش، خیرخواهی شما را برای او ثابت می کند در غیر این صورت ممکن است تصور نماید که شما خدای ناکرده خودخواه و مغرور هستید.

پنج: مرد و دینداری

هم شما می دانید و هم ما، آن کسی که ما را در نظر مردم محبوبیت و دوست داشتنی می کند فقط خداست و همه به این حقیقت باور داریم، چه بسا دوستانی که به دشمن تبدیل و دشمنانی که به دوست مبدل شده اند آیا در آن هنگام دوستی و یا هنگام دشمنی به این نکته توجه کرده ایم چه کسی است که محبت ما را در دل مردم می اندازد و ما را محبوب آنها می کند؟ همه اعتراف می کنیم آن کسی که محبت ما را در دل مردم زیاد می نماید خداوند کریم و لطیف است. پس چه کنیم که او از کرمش ما را محبوب در میان جامعه کند.

خدا در قرآن کریم فرموده است: ان الذین امنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا

اگر پرهیزگار شدیم خداوند ما را محبوب همه اهل آسمانها و زمین می کند و به آن اندازه که در پرهیزگاری موفق بودیم در محبوبیت هم موفقیم. چه بسا افراد زیادی ناخود آگاه به ما علاقمند و ما را دوست می دارند در حالیکه ظاهرا هم هیچ خدمتی به آنها نکرده ایم. پس جایگاه دین و دین داری را در زندگی خصوصی و عمومی فراموش نکنیم تا با شادابی روحی و معنوی بتوانیم زندگی شیرین و زیبایی داشته باشیم.

شش: عزت نفس و ادعای اغنا

موضوعی که کم و بیش همه ما بدان مبتلا و عموماً از ناحیه آن صدمه می بینیم عدم عزت نفس می باشد. توجه به جایگاه دیگران اعم از مال و جاه و مقام و بی توجهی به ارزشها و نعمتهای خدادادی گاهی اوقات، منشا تخریب خود و افراد پیرامون خود بخصوص شوهر می شود.

شاید شما هم اینگونه افراد را ملاحظه کرده اید، همیشه دم از نداری و نیستی میزنند، در حالیکه خداوند متعال به آنها نعمت داده و زندگی تقریباً مرفهی هم دارا می باشند ولی عدم عزت نفس موجب آن می شود که در مقابل دیگران اعم از دوستان یا اقوام اظهار نیازمندی و نیستی بکنند.

شاید بنظر شما این کار صحیح باشد و بعضی بر این باورند که این کار انسان را از چشم و نظر دور می کند بلکه صحیح است احتمال شما ممکن است صحیح باشد ولیکن چرا ما برای پرهیز از چشم و نظر که بعضی بدان معتقدند، از این طریق غیر معقول استفاده نمائیم. مراقبت در این زمینه روشهای خاصی دارد که در جای خویش آمده است.

استفاده از این طریق انسان را از ورطه انسانیت خارج و از حقیقت دور و در نهایت محبوبیت را کم می کند. اگر هم بر فرض مثال کمبودی هست عفاف و عفت شما باید مانع از اظهار فقر بشود. آیا قرآن توصیه به عفت نمی کند؟ یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف بعضی ها از شدت عفاف (در عین حال نداری) نمی گذارند تا کسی کمبودهایشان را بفهمند و علاوه دیگران تصور می کنند که آنها غنی هستند.

شما هم بایستی اینگونه زندگی کنید مراقب عفاف و آبروی خود باشید. بود یا نبود زندگی را حتی به والدین خود هم نگوئید. سلامتی و عزت نفس سرمایه ای است که قابل معاوضه با هیچ چیزی نیست.

آیا غیر از اینست که اگر بگوئید نیست به چشم خفت و خواری به شما و همسران نگاه کرده و شما ناخود آگاه سبک شده اید. اگر عزیز و صاحب عزت نفس شدید، محبت شما و همسران در قلوب افراد قرار خواهد گرفت و از ثمرات این محبت بیشتر بهره مند خواهید شد.

هفت: احترام

احترام زن به مرد در منزل و یا خارج منزل یک زیبایی خاصی به شخصیت زن و مرد می دهد که شاید گاهی اوقات مورد حسادت دیگران قرار گیرد. در عین حال محبوبیت زن را نزد شوهر و محبوبیت آندو را نزد افراد جامعه صد چنان می کند که در رابطه با بحث اسلوب زندگی بیشتر به آن اشاره می نمائیم و بیان خواهیم کرد که اگر در زندگی زناشویی فقط همین احترام باشد دستیابی به تمامی مقاصد ارزشمند زندگی مقدور خواهد بود.

هشت: از تعریف بیش از حد دیگران پرهیزید

هر انسانی بنا به فطرت و غریزه هائی که دارد دارای کمالات انسانی و همچنین بخاطر عدم عصمت دارای یکسری عیوب و نواقصی می باشد که بایستی این مطلب مد نظر همه مردان و زنان قرار گیرد و به هیچ انسانی به دید تمام نگاه نکنند.

خانمهای محترم این مطلب را بایستی مورد ملاحظه قرار داده و هیچ وقت شوهر خود را با دیگران مقایسه ننمایند و امتیازات مردان دیگر را به رخ همسر خود یا به فرد دیگر نکشاند. در اینحال اضافه براینکه ارزش شوهر خود را پیش خود کم کرده اید جایگاه او را نزد دیگران هم تزییع نموده اید. حال خود قضاوت کنید چه نتیجه ای بدنبال خواهد داشت، مگر غیر از اینست که بازتاب منفی این کم ارزشی به شما و زندگی شما بر خواهد گشت. پس شما که خواهان زندگی شیرین و خوشبختی کامل هستید بایستی مراقب باشید.

در مقابل از هر عملی که بنحوی شوهر شما را در میان جمع دوستان، خانواده و یا جامعه بنحو عقلانی و شرعی محبوب می کند نبایستی دریغ نمایید.

تا از زیبایی محبوبیت همسر خود بتوانید:

اولا: آرامش و متانتی خاص به همسر خود هدیه کرده باشید.

ثانیا: شخصیت اجتماعی او را بالا برده باشید.

ثالثا: بتوانید به قابلیت خود در انتخاب همسر افتخار کنید.

رابعا: در تربیت فرزند که لازمه اساسی آن سلامت شخصیت پدر و مادر است موفق بوده باشید.

دخالت در فعالیت های خصوصی مرد

فعالیت های مردان به سه دسته تقسیم می شود و اسلوب شخصیتی مرد هم بر این سه قسم بنا نهاده می شود، دسته اول فعالیت های عمومی او می باشد که معمولا خودش عامل یا معمول به آن بوده و پرسش و سوال شما را در این گونه موارد بدون پاسخ نمی گذارد و چه بسا تجسس شما در آن موارد هم مشکلی ایجاد نمی ماند. چه بسا خود مرد خیلی از اینگونه اتفاقات را شرح و توضیح می دهد. دسته دوم از فعالیت های او نیمه عمومی و تقریبا شکل و شمایل خصوصی داشته و چه بسا گاهی بخشی از آنرا برای شما توضیح و بخشی را بدون بیان باقی می گذارد.

طبیعتا تجسس در این امور اضافه بر اینکه گاهی منشاء دلخوری می گردد ممکن است زن را از بعضی کنش ها و واکنش های اجتماعی مرد آگاه نماید. که به جهت شرایط عاطفی، قدرت تحمل آنرا ندارند لذا اولاً به مردها توصیه می نمایم که مواظب اینگونه مسائل باشند که عموماً هم مردان با شخصیت اینگونه می باشند، چرا که زن ظرفیت شنیدن و یا فهمیدن آنرا ندارد.

اما توصیه به خانمها، در اینگونه موارد اگر خود مرد صحبتی کرد شما اطلاع می یابید و بیش از حد سوال نکنید، مرد را مجبور نکنید برای حفظ اسرارش به رفتارهای ناهنجار دست بزنند.

دسته سوم فعالیت های سری مرد است که گاهی در رابطه با آن با هیچ کس سخن به میان نمی آورد شاید گاهی اوقات با بعضی از دوستان صمیمی، آنهم خیلی کم. توجه داشته باشید پیرامون مسائل سری مرد جستجو ننمایید.

سوال و جستجوی شما اولاً قالب شخصیتی مرد را تحت تضعیف قرار می دهد و مرد برای حفظ آن ممکن است واکنش نشان دهد که اغلب اوقات این واکنش ها فرآیند مناسبی را در زندگی بجای نمی گذارد.

بنابراین سعی نمائید هنگام گفتگو و سوال و جواب حد و مرزها را حفظ و او را وادار به پاسخگوئی در موارد نیمه خصوصی و سری ننمائید در غیر این صورت آثار اینگونه پافشاری ها را خودتان باید تحمل نمائید.

بله: گاهی بعضی از مردان اعمال سریشان یکسری از اعمال خلاف و غیر مشروع می باشد که در آنحال با تجسس بایستی از طریق خودش وارده شده و بدون آنکه خود را مطلع معرفی نمائید غیر مستقیم با لحاظ شرایط عاطفی لازم آنرا اصلاح و درمان نمائید. در این شرایط با مواظبت و البته مشاوره با اهل فن و روانشناس اقدامات لازم را تامین نمائید.

از این استثناء که بگذریم توجه داشته باشید که مرد دوست ندارد کسی از افعال خصوصی اش اطلاع یابد لذا اطلاع یابی و تجسس در زمینه های خصوصی را زرنگی قلمداد نمائید. سعی کنید همیشه سوالات خود و گفتگوهای خود را با همه در حیطه ای تنظیم نمائید که آرامش و هنجارهای رفتاری به ناآرامی و ناهنجاری تبدیل نگردد.

بد نیست در اینجا توجه شما را بیش از پیش به یک حقیقتی جلب نمائیم. و آن هم اینست که فعالیت های انسان به علت یکسری از محرکهای درونی و محرکهای بیرونی صورت می پذیرد که بخشی عمده از محرکهای درونی اطلاعاتی است که انسان به آنها لفظ سر و راز اختصاص می دهد.

به بیان دیگر اسرار ما (محرکهای درونی) علت بخشی از رفتارهای ما هستند، این محرکها وقتی محرک هستند که همان لفظ سر و راز بر آنها صادق باشد و الا چنانچه این اسرار باز و و مکشوف شود دیگر به عنوان محرک جهت فعالیت از آنها یاد نمی شود.

با این تعبیر ساده و مختصر خود شما در می یابید که لازمه کشش و قدرت بر انجام یکسری از فعالیت ها اسرار آدمی بوده و باز شدن و کشف آن اسرار به معنا و مفهوم باز ایستادن انسان از آن فعالیت ها می باشد.

حال بد نیست خود شما قضاوت کنید آیا دوست دارید همسر شما دائما دست روی دست بگذارد و همیشه اظهار ((نمی توانم)) بکند یا اینکه انتظار شما اینست که همسری فعال، پر انرژی و پر تحرک داشته باشید.

در هر حال اختیار با شماست. انتخاب روش، شما را به منزل و مقصود خاص خودش می رساند البته بدیهی است که شما جز طریق خیر انتخاب نمی نمائید.

زن و در آمد مرد

یکی از ملاکهای ارزشی زندگی زناشوئی در آمد و نحوه در آمد مرد خانه می باشد، طبیعتا هر خانمی دوست دارد که همسرش صاحب یک شغل شرافتمندانه بوده تا بوسیله آن زندگی راحت و بدور از دغدغه خاطر داشته باشند.

این وجه بدون استثناء در میان همه زنان دنیا مشترک است و هیچ زنی نیست که صاحب عقل سلیم باشد و غیر از این تقاضا نماید با این بیان جای این سوال در میان ما و شما خواننده محترم است که پس چرا بعضی از خانمها حاضرند که همسرشان از هر طریقی که شده رفاه آنها را تامین نماید؟

ولو از راههای غیر معقول و غیر مشروع؟

حال یا با اصرار و تاکید و یا با سکوت در مقابل رفتارهای غیر مشروع همسر.

پاسخ این سوال خیلی روشن است و شما هم با کمی دقت به جواب آن خواهید رسید جواب اینست که اختلاف در اصل موضوع شرافت و شرافتمندانه نیست بلکه اختلاف بر سر تعریف شرافت و شرافتمندانه است.

اگر بخواهیم مسئله را خوب بررسی نمائیم بایستی شرافت و شرافتمندانه را تعریف نمائیم تا عقیده ها یکسان و راهکارها مشخص و معین شود. باید بفهمیم که شرافت چیست و در چیست؟

آیا شرافت که به معنا و مفهوم برتری یافتن بر اساس محاسن و خوبیها و ارزشهاست در چه اموری یافت می شود.

چه افعالی شرافتمندانه است و چه افعال و رفتاری صرفا نام شرافت را یدک می کشد و از حقیقت آن به دور است.

آیا نه اینست که شرافت در حلال خوردن و مراقبت از حلال و حرام است؟

آیا نه اینست که شرافت در سخاوت و اهل بخشش بودن است؟

آیا نه اینست که شرافت در کمک به هم نوع است؟

آیا نه اینست که شرافت در خود گرسنه ماندن و دیگران سیر بودن است؟

پس چرا خوشبختی و شرافتمندانه بودن را در این تعریف می کنیم که همسرمان فلان مقدار سرمایه را دارا باشد؟ همسرمان فلان خانه

و فلان اتومبیل را دارد؟ آیا این شرافت است؟ اگر این شرافت است که شیر سلطان جنگل اشرف موجودات می گردد در حالیکه ما از

آن به عنوان یک درنده بیشتر یاد نمی کنیم.

آری، شرافت اینست که مرد مال حلال بدست آورد و به منزل بیاورد. شرافت در اینست که خانم به عنوان شریک زندگی مرد

تقاضایش این باشد که؛ همسر فقط رزق حلال برای ما بیاورد و لو یک تکه نان خشک باشد.

آن وقت اگر شما اینگونه تقاضا کردید خواهید دید که زندگی برای شما و همسران چقدر شیرین و دلپسند می شود اگر اینگونه انتظار

داشتید آن وقت همسر شما خود را مجبور نمی کند برای درآمد بیشتر حقوق دیگران را ضایع و از سایر وظایف فردی، دینی و

اجتماعی خود بزند تا بتواند مثلا فلان خانه، یا ماشین یا مبلمان... را خریداری نماید.

ارزش دینداری شما خانم محترم اینست که هر از چند یکبار با همسران در رابطه با رزق حلال به گفتگو بنشینید و انتظارات خویش

را در این رابطه بیان نمائید.

محیط صمیمی خانه و رابطه عطوفت آمیز شما، شما و همسران را برای تلاش نیکو و خوش ثمر بجای پرثمر آماده و مهیا و تشویق

می نماید. لذا سعی کنید در این محیط با استفاده از گفتگوهای ملاطفت آمیز پیرامون شرافت و ارزشمندی از نظر دین و عقل

راهکارهای صحیح زیستن را جای مقلد زیستن جانشین نموده و نسل فردای خود را در مسیر زیباتری از مسیری که خودتان قرار

داشته اید هدایت نمائید. تا نسل شما سبب افتخار و ارزشمندی و شرافت شما بوده باشند.

مطلب دیگری که زن در رابطه با درآمد مرد باید ملاحظه کند اینست که بعد از توجه به حلال بودن و پرداخت وجوهات شرعی (مثل

خمس و زکوة) زن باید ملاحظه هزینه های زندگی را بکند، نه اینکه کم بخورد یا بد بپوشد. خیر، خوب، تمیز، زیبا پوشش داشته باشد

ولیکن اسراف نکند؛ از روی چشم و هم چشمی شوهر خود را به زحمت خرید هر روز یک مد لباس و یا سرویس طلا نیدارد، یکی از ملاکهای شخصیت زن و ارزشمندی او کم خرجی او برای شوهر است، این یکی از هنرهای ارزشمند زن است که کم هزینه بوده و اهل اسراف نباشد.

اگر شما خانم محترم چنین کردید که البته خواهید کرد به ارزش و شرافت خود افزوده و یک زندگی آرامی را برای خود مهیا نموده اید. بعد از ملاحظه درآمد مرد از جهت حلال بودن و رعایت مسائل شرعی پیرامون آن و جلوگیری از اسراف در زندگی، نسبت به بعضی از هزینه هایی که ممکن است مرد باختیار انجام می دهد دخالت نکنید، او با زحمت مال را تهیه و به اندازه مورد نیاز صرف منزل کرده است. ممکن است بخواهد مابقی آنرا در بعضی از اموری که چه بسا مربوط به منزل نیست هزینه نماید. مراقب باشید دخالت در امور شخصی در خصوص مرد ممکن است عواقب مطلوبی نداشته باشد.

لذا شما خانم محترم در این جهت هم رعایت مسائل احتیاطی را فراموش نفرمائید.

زن و تربیت فرزند

یکی از نقش های زیبایی که زن می تواند به خوبی اجرا نماید مسئله تربیت فرزند، گل دامان پاک او است. اگر چه تربیت و مسائل آن بایستی در اختیار مرد باشد و دین، تربیت را به عهده مرد گذاشته اما می توان گفت که منظور ملاکهای اساسی تربیت بوده است این زن است که با عطوفت و مهربانی ایام و روزهای کودک را حس کرده و با او به سر می برد. اوست که به فرزند خیلی چیزها را می تواند بیاموزد.

لذا انجام این نقش در غیاب پدر، به عهده مادر مهربان و عطوف بوده بایستی صورت پذیرد تا گل بوستان آنها به نیکی رنگ ثمر و نتیجه را ببیند و موجب افتخار آنها گردد.

برای اینکه نقش تربیتی زن بیشتر روشن شود می توانید به کتاب ((چگونه فرزند نابغه داشته باشیم؟)) " ۲ " مراجعه نمائید. در آنجا پیرامون این موضوع مباحثی را آورده ایم که همه خوانندگان را به دقت وادار می دارد از آنکه بگذریم ما در ذیل یکسری از ملاکهای لازم جهت صحت تربیت فرزند را حضورتان معرفی می نمائیم تا با استفاده از آنها بهتر در راه تربیت فرزند موفق بوده باشید.

۱- مادر و پدر هر دو باید در تربیت فرزند سهیم باشند والا فرزند از لحاظ منطقی یا عاطفی ممکن است ضعیف شده و آثار ضعف آن در رده های مختلف سنی ظاهر شود.

۲- ابزار مادر در تربیت، مهربانی، حوصله و دقت در رفتار.

۳- ابزار پدر در تربیت، منطق، مهربانی، حوصله در رفتار می باشد.

۴- نظافت و تمیزی فرزند از اموری که پدر را نسبت به فرزند خوشبین می کند لذا مادر محترم نبایستی از این مطلب غفلت بنماید.

۵- امور مورد انتظار شوهر در تربیت فرزند نایستی از ذهن مادر فراموش شود و الا ناهنجاری و اوقات تلخی حاصل از مواخذه ممکن است ضرر بیشتری به مادر، پدر و فرزند برساند.

مادر با تمام تلاش سعی کند امور مورد انتظار در رابطه با تربیت فرزند را بانجام برساند پدر هم در مقابل این اعمال محبت های مادر را بی پاسخ نخواهد گذاشت و جبران لازم را خواهد نمود.

باز هم توصیه می کنیم برای تربیت فرزند و یافتن راهکارهای آن به کتاب چگونه فرزند نابغه داشته باشیم مراجعه و حداقل یکبار آن را بخوانید تا با اصول اساسی و ارزشی کودک آشنا، و بتوانید میوه زندگی خودتان را صحیح تر تربیت بنمائید. یقیناً با تربیت صحیح جایگاه شما نزد همسران بهتر خواهد شد.

زن و اجتماع

مطلبی که بایستی در راستای ارزشمندی زندگی مطرح نمود اینست که در کل عالم هستی همه اشیاء دارای یک ظاهر و یک باطنی می باشند ظاهر؛ آن وجهی از شی است که در معرض دید و تماشای دیگران قرار می گیرد ولیکن باطن اشیاء آن حقیقتی است که قابل تماشا و رویت نبوده و عموم مردم معرفت و احساسی نسبت به آن ندارند.

این واقعیت هم در اشیاء و هم در احکام دینی و غیر آن متجلی است، هر موجودی را در عالم مثال بزیند غیر از خدا این واقعیت بر آن قابل انطباق است.

این مطلب در پدیده های اجتماعی و گروهی هم مستثنی نیست، خانواده هم که یکی از پدیده ها و موجودات اجتماعی است این امتیاز و خصوصیت را دارا می باشد.

خانواده با اولین ساختار که به شکل یک زوج می باشد دارای یک ظاهر و یک باطنی است: ظاهر آن مرد و باطن او زن می باشد و بدین ترتیب همان انتظارات از آندو میروید از ظاهر ظهور و از باطن در پرده بودن و قابل ملاحظه و رویت نبودن، شاید این بخش از آیه قرآن به این واقعیت اشاره داشته باشد ((و انتم لباس لهن)) شما مردان پوشش زنهار هستید، یعنی زنهار در باطن و مردها در ظاهر و ظهور می باشد.

شما به بدن انسان نگاه کنید پوست و قلب، هر دو ارزشمند هستند ولیکن اگر قسمتی از پوست و قفسه سینه از بین برود و قلب با فعالیت زیبایش قابل رویت باشد چه می شود؟ خود شما چه عکس العملی نشان می دهد؟

آیا می شود قلب آشکار باشد؟ خیر، باطن باید در بطن و در پوشش باشد والا اولاً وظیفه خود را انجام نمی تواند بدهد ثانیاً زیبایی ظاهر از بین رفته و عقلاً تنفرآور می شود.

حال که مفهوم ظاهر و باطن را دریافتید. و برای خانواده هم ظاهر و باطنی لحاظ نمودید و ظاهرش را مرد و باطنش را زن قلمداد کردید. خودتان می توانید نقش اجتماعی زن را ملاحظه نمائید. شما خود می توانید قضاوت کنید که زن چه موقع باید در جامعه وارد شود.

آیا اگر زن که باطن است بجای ظاهر قرار گیرد می تواند وظیفه خود را انجام دهد؟

آیا در این حالت زیبایی زندگی خدشه دار نمی شود؟ آیا عقلا تنفر آور نیست؟ اینها همه سوالاتی است که به ذهن می رسد و هر خانم محترمی باید براساس وجدان به آنها پاسخ دهد، نگاه نکند ببیند دوستانش فلان کار را انجام می دهند پس بگوید من هم باید انجام بدهم خانم؛ هر کسی برای خودش می فهمد اگر شما قبول دارید، لازم نیست بواسطه رقابت دست از عقل خود بردارید. اصلا و ابدا. البته این گفتار ما بدین معنا نیست که زن با هیچ کس ارتباط نداشته باشد. زن انتخاب شغل نکند، زن چه و چه... نه، شما می توانید به مشاغلی که واقعا از دست مردان بر نمی آید اقدام نمائید، البته به شرط آنکه توازن روحی شما از لحاظ عاطفه و عفاف دچار ضایعه نگردد.

شما می توانید با زنان دیگر که از لحاظ اخلاقی در سلامت هستند ارتباط داشته باشید چه آنکه از لحاظ شرعی هم مقبول و معقول است البته سلامت و عفاف و رازداری آنها شرط اولیه همنشینی خواهد بود طبیعی است که بواسطه این داستان؛ اولاً می توانید در امور عادی زندگی با هم مبادله نظر نمائید.

ثانیا تفریحی برای رفع خستگی های ذهنی در مواقع لازم داشته باشید.

بنظر می رسد که با این نوشته شما می توانید جایگاه ارزشمند خود را در زندگی و خانواده و اجتماع بیشتر حس نموده و برای آن بیشتر ارزش قائل شوید. در خاتمه کتاب شما را به دقت در یک سری امور کلیدی توصیه نموده و آرزوی آن را داریم که با عمل به آن رنگ زندگی شما هر روز زیباتر گردد.

از... بپرهیزید تا زندگی شما شیرین شود

- ۱- از خواب صبحگاهی بپرهیزید و تلاش و کوشش خود را در جهت نظم و انضباط منزل و پوشش مرد بکار بندید تا زندگی شما شیرین تر شود.
- ۲- از تلخ روئی بپرهیزید و با لبخند محبت آمیز زندگی را شروع کنید، یک لبخند و تبسم خیلی کم مایه است ولیکن سرمایه بزرگی بنام خوش خلقی شوهر و شادابی زندگی را با آن می توانید خریداری نمائید.
- ۳- از چشم و هم چشمی و تقاضای غیر مقدور از همسر بپرهیزید تا شوهر شما نزد شما و اهل خانه محبوب شده و خجالت زده و افسرده نگردد.
- ۴- از حسادت و رشک بپرهیزید تا به زندگی خود قانع و از همسر و فرزندان خود لذت ببرید. حسود جز رنج آفرینی برای خود کاری نمی کند.

۵- ساده زیستی و سالم زیستی را شعور و شعار واقعی خود قرار داده و از تجمل گرایی پرهیزید تا زحمت زندگی را کمتر و زندگی را شیرین تر کرده باشید.

۶- از بدبینی به شوهر و دیگران پرهیزید تا شوهر نزد شما عزیزترین و محبوب ترین افراد باشد و در مقابل، او بتواند به شما اعتماد و اطمینان نماید.

۷- از نق زدن، بهانه جوئی پرهیزید تا تمکین، آرامش و شادابی را به زندگی زناشوئی دعوت کرده و از طرف دیگر همسر شما در وظایف خویش موفق تر بوده و در نتیجه بیشتر خود را مدیون شما ببیند.

۸- از گفتگو پیرامون موضوعاتی که به نحوی ارزشهای همسر را تضعیف یا نادیده می گیرد پرهیز نمائید تا محیط گفتگو و همنشینی شما آرام و بدون جدل باشد.

توجه و الطفات به... تا زندگی شیرین تر شود

۱- از توجه و احترام به والدین همسر دریغ ننمائید. هر چه شما بیشتر به آنها محبت کنید آنها به فرزند خود و عروس خود بیشتر علاقمند و زندگی با آنها و کنار آنها دلپذیرتر می گردد.

۲- توجه به مطالعه و اختصاص ساعاتی از روز به مطالعه به زندگی شما یک انضباط علمی و ارزشی می دهد و شما و زندگی شما را از دیگر زندگی های متمایز می کند.

۳- راههای جلب رضایت همسر خود را که به صورت اختصاصی است شناسائی نمائید. هنر یک زن در اینست که به این راه ها توجه بیشتری نموده و آنها را از اول زندگی خوب شناسائی نماید تا بتواند همسر خود را دائما خشنود و راضی نگه دارد.

۴- توجه بیشتر به عبادات و رعایت حد و حدود آن، تا به زندگی خود یک زیبایی معنوی بیشتری داده باشید.

۵- توجه به الفاظی که در هنگام گفتگو با همسر و فرزندان بکار می برید. تا می توانید از الفاظ و کلمات ارزشمند و مثبت استفاده نمائید تا همسر شما به عقل و ارزش عقلی شما بیشتر توجه کند.

۶- توجه به جاذبه های ظاهری خود در نزد شوهر، ترتیب ظاهر متناسب و مورد پسند همسر تا خاطر او را بیشتر به خود جلب کرده باشید.

۷- چنانچه در طبخ غذا زحمت می کشید سعی کنید نظر او را بعد از میل غذا از او بخواهید و عیوب آنرا در دفعات بعدی رفع نمائید تا به حسن سلیقه شما اطمینان پیدا کرده و دست پخت شما را دوست داشته باشد.

۸- توجه به گفتارها و انجام سریع دستوراتی که در مواقع خاص دارد تا احترام شما نزد او به حقیقت پیوندد و او شما را قلبا دوست داشته باشد چرا که محبت بوسیله اطاعت، قلبی و عمیق می گردد!!

۹- شنونده خوبی برای حرفهای همسر خود باشید تا او هم شنونده خوبی برای حرفهای شما باشد.

۱۰- همیشه با شرایط او سخن بگوئید نه با شرایط خود تا او بیشتر حس کند که درکش می کنید.
در مجموع با امید آنکه توانسته باشیم گوشه ای از انتظارات را در مقابل همسران مهربان بیان کرده باشیم. تقاضامندیم در مطالعه این کتاب با همه جوانب آن دقت نمائید تا زندگی شما مملو از آرامش و محبت واقعی بوده باشد و ثمرات زیبای آن فرزندی صالح و سالم و پشتیبانان ارزشهای دینی و اسلامی در طول دوران تاریخ باشند.
در پایان، چنانچه از مطالعه این کتاب بهره مند شدید به دیگران هم برای رسیدن به آرامش بیشتر و سلامت خانوادگی توصیه نمائید.
والسلام

A

کاری از:

Vahideh

Vahideh۳۰۰۸@yahoo.com